

از جانب فوق و جزایر خالدها که از جزایر السعدان نیز گویند شش
 جزیره بودند در زمان قیام معمور و آبادان قریب خط استوا مقابل
 حبش بوده است در آن جزایر کلبا و زنگبارک و میوه های گوناگون
 و ریاحین عطریات همه خود روئیده و آن جزایر را مشایخ میگویند
 بهر جهت و مردان آن جای مشایخ بودند مردان بهر جهت از جهت طایر
 السعدان گویند و زمان آن جای مشایخ بود و در زمان بهر جهت از جهت
 جزایر خالدها که در نزد جمهور حکما این جزایر مبداء عمارت آبادی
 است در جانب غرب پنج جزیره حکما و بعد بقوه کنگر مبداء عمارت
 در جانب مشرق و این موضع رصد حکما مبداء است و این لفظ کنگر
 بر لغت خط استوا واقع است و بعد دوری میان جزایر خالدها است
 کنگر مقدار نصف دور است یعنی یکصد و بیست شاد در جهت و احوال آن
 جزایر خالدها در بحر محیط غربی که از زبان یونان اوقیانوس گویند
 غرق و پوشیده در آب هستند و مقدار از درجه زمین در او قیاس
 غرق گشته و یکدرجه زمین نزد حکما میندشند زمین است و در
 دو ربع فرسنگ است و هر فرسنگ سه میل است و هر میل سه بار

باین مقدار جزایر زمین

دزاج

دزاج و هر دزاج سخی و در وقت میان است و نزد حکما بتناجین یکدرجه
 زمین نوزده فرسنگ است و هر فرسنگ سه میل و هر میل چهار دزاج
 دزاج است و هر دزاج بیست و چهار هزار گشت میان است پس زمین
 جزایر خالدها که غرق گشته بر قول بعضی مقلدان و صد و بیست و
 دو فرسنگ کسری زیاد و طول یکدرا که حکما از جزایر خالدها که نزد
 بعضی از ارباب علم غریب است بگردد **بگردد** **دزاج** سمت قدیم شهر است
 موقوفت برداشتن طول یکدرا مبداء و عرض یکدرا مبداء که نیز
 موقوفت برداشتن طول بلد و عرض بلد شهرهای از شهرهای گشت
 آن شهر مطلق است تحت یکدرا سمت قبله بر لفظه اربعه عالم که نقطه
 است از افق آن لفظه که بر آن نقطه تقاطع واقع شده میان افق
 آن لفظه و دایره عظیمه که هر دو کرده بر سمت قبله راس آن لفظه است
 راس یکدرا مبداء و این نقطه لفظه سمت قبله که میندشند و این نقطه
 بین صفت است که هر کس که مواجه و مقابل این نقطه شود در هر جهت
 مواجه و مقابل کعبه نشسته شود وسط مستقیم که وصل باشد میان این نقطه
 سمت قبله افق حسی و نقطه که از دایره مبداء بر است نظر است

باین مقدار جزایر زمین